

برگردان : داؤد اسعد

از منابع آلمانی

۱۱ جنوری ۲۰۱۲

جنگ افروزی در خلیج فارس



مترادف باتهدید مداخله در سوریه، اتحادیه اروپا میخواید که اکنون درگسترش خطرناک وضع در برابر ایران نیز شرکت جوید. اجلاس بعدی وزیران خارجه اتحادیه اروپا که قرار است به تاریخ ۳۰ جنوری دایر گردد رسماً به آن مهر صحت خواهد گذاشت، آنچه پیش از تدویر این اجلاس مورد توافق قرار گرفته است. تحریمهایی که تا اکنون به دست اجرا قرار گرفته اند (عدم اهدای ویژه برای سیاستمدارهای طراز اول ایرانی و مسایلی در همین راستا) باید به وسیله منع عمومی صدور نفت به کشورهای اتحادیه اروپا و قطع مراودات مالی با بانکها و شرکتهای ایرانی تشدید بیشتر حاصل نماید.

در همه حال بایست جزئیات روشن گردند. زیرا درکنار چین، کشورهای عضو اتحادیه اروپا چون ایتالیا، هسپانیا و یونان تا حال از جمله مشتریان اصلی نفت ایران به شمار می آیند که برای تدارک انرژی برق، دیزل و بنزین به نفت ایران ضرورت دارند. به هرصورت حاکمان عربستان سعودی می خواهند آماده گی بگیرند، در جایگاه صادر کننده مؤقت این تجارت موزون برون آمده و آنرا در اختیار خود درآورد.

بدین ترتیب اتحادیه اروپا یکبار دیگر خودش را در سیاست بازیهای شرق نزدیک ایالات متحده امریکا سهم می سازد، با وجودیکه با استفاده از این شیوه یکی از معضله های داغ بین المللی یکبار دیگر مشتعل می گردد و معاموم نیست که این امر چه گونه می تواند در خدمت «منافع اروپا» قرار داشته باشد.

حکومت اوباما در همکاری با انگلستان و کانادا پیش از این دور جدیدی از شعله ور ساختن برخوردها علیه ایران را به راه انداخت. به اساس این تصمیم همه تأسیساتی که در یکی از نقاط جهان در معاملات مالی با بانک مرکزی ایران و یا کدام بانک دیگر ایرانی سهم اند و یا صنایع

نفتی ایران را به نحوی از انحا «پشتیبانی» می کنند با تدابیر جزایی ایالات متحده مورد پیگرد قرار می گیرند. از آنجاییکه داشتن روابط تجاری با ایران برای شرکتهای ایالات متحده از مدت زمان زیادی ممنوع است، این امر متوجه شرکتهای خارجی نه تنها در اتحادیه اروپا، بل در روسیه و چین نیز می باشد. رژیم ایران تحت زعامت احمدی نژاد در هر حال تاکنون در این مورد کدام عکس العمل مشخصی از خود نشان نداده است. تهران اعلام داشت که دریافت مشتریهای جدید برای نفت ایران ضرورت به جستجوی زیاد ندارد. ولی حکومت ایران با در نظر داشت این وضع با تهدید تازه علیه ایالات متحده آمریکا پاسخ گفت. رحیمی معاون رئیس جمهور ایران تهدید نمود که هرگاهی ما مجبور به بستن تنگنا هرمز در خلیج فارس گردیم باید بدانید که نزدیک به یک سوم انتقالات بین المللی نفت از همین راه صورت می پذیرد. در همین رابطه تطبیقات انجام یافته نیروهای بحری ایران از تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۱۱ الی ۲ جنوری ۲۰۱۲ مختص به آن بوده است که زمینه های کار برد چنین مانعی را تمرین کنند. در چوکات همین تطبیقات به تاریخ ۲ جنوری استعمال دو فیر راکت جدید ایرانی با تخنیک «پیشرفته» رهبری شونده و طفره رفتن رادار که به حیث راکتهای دور برد نیز شهرت دارند، پیروزمندانه صورت پذیرفت. در عین حال جانب ایران همزمان اعلام داشت که ایران برای ادامه مذاکرات مختل شده شش کشور با ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین و آلمان به منظور تفاهم صلح آمیز در باره برنامه اتمی ایران موافقت دارد.

در مقابل ایالات متحده آمریکا اعلام داشت که آنها مایل به بسته شدن راه کشتی رانی در خلیج فارس نیستند. از طریق پنتاگون شایع گردید که نیروهای نمبر ۵ بحری ایالات متحده در بحرین «غرض حفظ آزادیهای بحری به مثابه پایگاه رفاه گلوبال» در حالت آماده باش قرار دارد. در عین حال ارسال سلاح جدید ایالات متحده آمریکا به خاطر تسلیح کشورهای خلیج و عربستان سعودی با تخنیک نظامی کاملاً مدرن به ارزش مجموعی ۳۳ میلیارد دالر یادهانی شد.

علت این جنگ افروزیهای غربی را به گونه پیشین تصور آنکه رژیم احمدی نژاد برنامه اتمی ایران را انکشاف می دهد، تشکیل می دهد. این تصور با گزارش «اداره بین المللی انرژی اتمی» مؤرخ ۹ نوامبر سال پار تغذیه دوباره شد، با وجودی که اثبات مدلی برای «تصورات» مندرج در آن وجود ندارد. ایران پیهم ادعا میکند که برنامه تحقیقاتی اتمی اش صرفاً در خدمت مقاصد غیر نظامی است. در این زمینه با وجود آگهی آنکه ایران برای نخستین بار موفق شد تا بتواند سیخهای سوخت اتمی را خود تولید نماید، کدام تغییری وارد نیامده است. زیرا این سیخهای سوخت که با ۲۰ درصد یورانیوم مشبوع شده است برای کوره تحقیقاتی به کار می رود که در

جهت مبارزه علیه مرض سرطان استفاده می شود. برای ساختن بم اتمی به گفته کارشناسان اشباع خلیجها بالاتر که تا ۸۰ درصد می رسد، ضروریست.

کمپاین رسانه های غربی از خطر نزدیک استعمال بم اتمی ایران در همه حال وابسته به آن نیز است که واقعیتی را از نظر کتمان نمایند و آن این که در حالت فعلی فقط یک کشور منطقه شرق نزدیک وجود دارد که دارنده بم اتمی می باشد و آنهم اسرائیل است. بدین ترتیب حکومت دست راستی اسرائیل از انحصار سلاح اتمی خودی در منطقه دفاع می نماید. به همه حال حتی حکومت اسرائیل در ماه نوامبر سال پار تعرض نظامی بر ایران را مورد بحث قرار داد تأسیسات اتمی ایران را تخریب نماید.

با تأسف دیده می شود که تشدید وضع در خلیج فارس با طراحیهای تعداد زیادی از منفعت طلبان در مطابقت است. رژیم احمدی نژاد به تاریخ ۳ مارچ امسال در برابر انتخابات پارلمانی قرار دارد. به همین علت تهدیدهای امریکایی - اسرائیلی - اروپایی در این مقطع زمانی یاری می رسانند تا مردم را به «وحدت ملی» در برابر دشمن امپریالیستی فراخواند و بدینوسیله اپوزیسیون ایران را ضربه زد.

ولی دیده می شود که در اسرائیل حکومت «نیتیناهو» نیز در برابر نارضایتی اجتماعی و گسترده شدن اپوزیسیون سیاسی قرار دارد. تهدید ایران می تواند برای مطالبه «وحدت ملی» در اینجا نیز مؤثر واقع گردد.

در ایالات متحده امریکا نیز مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری آغاز یافته است. مزید بر این یکی از مهمترین اهداف استراتژیک واشنگتن اینست تا در هر حال نقش تعیین کننده قدرت ایالات متحده امریکا را در شرق نزدیک با در نظر داشت تغییرات در شمال افریقا و آسیا مستحکم سازد. در این رابطه، داشتن «پیمان استراتژیک» با عربستان سعودی و با امارات ارتجاعی متحده خلیج و در این اواخر طور گسترده با رژیم «ایردووان» در ترکیه ضروری است. بروز ایران در جایگاه یکی دیگر از قدرتهای رهبری کننده منطقوی از دیدگاه واشنگتن در اوضاع کنونی بایستی با کار بُرد همه امکانات ممانعت گردد. به گونه سوریه سیاست ایالات متحده در ایران نیز منحصر بدان می گردد تا هر چه زودتر در آنجا «تعویض رژیم» به وسیله تشکیل قدرت یکدسته از افراد نزدیک به ایالات متحده امریکا- اتحادیه اروپا عملی گردد.

موضوع خلیجها روشن است که با شعله ور ساختن این تفاوت نظرها خطر جنگ دیگری در منطقه طور بی سابقه افزایش یافته است. البته این امر بدون شک با منافع اکثریت انسانهای ساکن در منطقه مطابقت ندارد. منافع آنان درحل عادلانه معضله ها نهفته است.